

Vision 3 :(L1)

1. appreciation	قدردانی، فهم، درک	16. terrible	وحشتناک، بسیار بد
2. lower	کم کردن	17. take temperature	گرفتن درجه حرارت
3. blood pressure	فشار خون	18. guess	حدس زدن
4. boost	افزایش دادن	19. receive	دریافت کردن
5. strength	قدرت	20. go abroad	به خارج رفتن
6. successful	موفق	21. found	تأسیس کردن
7. advice	نصیحت	22. generous	بخشنده
8. device	وسیله	23. spare no pain	از هیچ تلاشی کم نگذاشتن
9. improve	بهبتر شدن، بهتر کردن	24. cure	معالجه کردن
10. take care of	مراقبت کردن از	25. helpful	مفید
11. increase	افزایش یافتن، افزایش دادن	26. not surprisingly	جای تعجب نیست
12. function	نقش، کارکرد	27. regard	ملاحظه کردن، در نظر گرفتن
13. respect	احترام، احترام گذاشتن	28. dedicated	مشتاق، علاقه مند
14. donate	اهدا کردن	29. It is pity	حیف...
15. catch a flu	آنفلوآنزا گرفتن	30. distinguished	سرشناس، مشهور

31. disease	بیماری	48. care for	مراقبت کردن از
32. By the way	راستی !	49. generation	تولید ، نسل
33. interesting	جالب	50. strategy	راهکار ، برنامه
34. interested	علاقه مند	51. provide	فراهم کردن
35. shout	فریاد زدن	52. common	رایج ، مشترک
36. hard of hearing	کم شنوا	53. follow	دنبال کردن ، به دنبال آمدن
37. hug	در آغوش گرفتن	54. location	محل
38. suddenly	ناگهان	55. reason	دلیل
39. burst into	(ناگهان) شروع به کردن	56. quantity	مقدار ، کمیت
40. tear	گریه	57.description	توصیف
41. repeatedly	مکررا	58. generate	تولید کردن ، ایجاد کردن
42. politely	مؤدبانه	59. skim	نگاهی انداختن
43. forgive	عفو کردن ، بخشیدن	60. collocation	هم آئی
44. calmly	به آرامی	61. combination	ترکیب
45. diary	دفتر یادداشت ، دفتر خاطرات	62. sound	به نظر رسیدن
46. keep a diary	مدام در دفتر خاطرات نوشتن	63. on the other hand	از طرف دیگر
47. reply	پاسخ دادن	64. unnatural	غیر طبیعی

65. fast food	غذای سریع ، غذای سرپایی	82. author	نویسنده ، مؤلف
66. quick meal	غذای سریع	83. fix	تعمیر کردن ، ثابت کردن
67. strong wind	باد قوی (شدید)	84. discover	کشف کردن
68. heavy rain	باران سنگین	85. solution	راه حل
69. make a mistake	اشتباه کردن	86. cancer	سرطان
70. do exercise	ورزش کردن	87. develop	توسعه یافتن (دادن) ، پیشرفت کردن
71. look for	به دنبال گشتن	88. invent	اختراع کردن ، ساختن
72. poet	شاعر	89. accident	تصادف
73. religious	مذهبی	90. for instance	برای مثال
74. mostly	عمدتاً ، بیشتر	91. accidentally	به طور تصادفی
75. special	مخصوص ، ویژه	92. experiment	آزمایش
76. type	نوع	93. experience	تجربه
77. ethics	اخلاقیات	94. tool	وسیله ، ابزار
78. translate	ترجمه کردن	95. ordinary	معمولی ، عادی
79. countless	بی شمار زیاد	96. tag	برچسب
80. including	از قبیل	97. weave	بافتن
81. inspiration	الهام ، الهام بخش ، الگو	98. elicit	از زیر زبان بیرون کشیدن

99. agreement	پوشیدن	116. wear	توافق
100. signal	لذتبخش	117. enjoyable	علامت دادن ، نشان دادن
101. uncertainty	تردید	118. do homework	انجام دادن تکلیف
102. confirm	تأیید کردن	119. result	نتیجه
103. condition	وضعیت ، شرایط	120. take a rest	استراحت کردن
104. serious	جدی ، خطرناک	121. rarely	به ندرت
105. think about	فکر کردن درباره‌ی	122. heritage	میراث
106. prefer	ترجیح دادن	123. culture	فرهنگ
107. at least	حداقل	124. proud of	راضی از ، مفتخر
108. connect	وصل کردن (شدن)	125. sense of belonging	حس تعلق
109. compound	ترکیب ، مرکب	126. identity	هویت
110. addition	افزایش ، افزودن	127. responsibility	مسئولیت
111. get up	بلند شدن	128. role	نقش قانون
112. contrast	مقایسه کردن ، تضاد	129. rule	قانون
113. boring	کسل کننده	130. moral	اخلاق ، اخلاقی
114. bored	کسل شده	131. Value	بها دادن ، ارزش
115. wonderful	تعجب آور	132. principle	مبنا ، اصل

133. bring up	بزرگ کردن ، پرورش دادن	149.handle	از عهده برآمدن ، در دست گرفتن
134. willing	مایل	150. knowledge	دانش
135. peaceful	آرام ، مسالمت آمیز	151. curious	کنجکاو
136. hopeful	امیدوار	152. title	عنوان
137. protect	حفاظت کردن	153. definition	توضیح
138. blessing	برکت ، نعمت	154. society	جامعه
139. note	دقت کردن	155. grateful (for)	متشکر
140, hence	بنابراین	156. worthy	با ارزش
141. as well	هم چنین	157. failure	شکست
142. as well as	به علاوه	158. attempt	تلاش
143. share (with)	در میان گذاشتن ، شریک شدن ، تقسیم کردن	159. complete	کامل کردن
144. deserve	لایق بودن	160. cruel	نامهربان ، ظالم
145. no matter	اهمیت ندارد	161. inform	اطلاع دادن
146. unconditionally	بی قید و شرط	162. robber	دزد
147. honored	سرافراز ، محترم	163. draw	کشیدن ، جذب کردن
148. duty	وظیفه	164. attend	حضور یافتن ، شرکت کردن

V3 (L 2)			
165. compile	گردآوری کردن	181. actually	واقعاً
166. magnify	بزرگ کردن	182. recommend	توصیه کردن
167. magnifying glass	عدسی	183. design	طراحی کردن
168. educated guess	حدس درست	184. foreign	خارجی
169. monolingual	یک زبانه	185. type	نوع
170. bilingual	دو زبانه	186. Suggest	پیشنهاد کردن
171. situation	وضعیت	187. suitable	مناسب
172. quit	رها کردن ، ترک کردن	188. suppose	فکر کردن ، فرض کردن
173. look up	دنبال کلمه گشتن ، دنبال شماره تلفن گشتن	189. elementary	ابتدائی
174. destroy	تخریب کردن	190. intermediate	میانی ، متوسط
175. pronunciation	تلفظ	191. advanced	پیشرفته
176. synonym	مترادف	192. free	آزاد ، رایگان
177. antonym	متضاد	193. smart	هوشمند
178. during	در طی	194. orally	شفاهی
179. Wonder	نمی دانم آیا.... ، شگفتی ، تعجب کردن	195. factor	عامل
180. if	اگر ، آیا	196. consider	فکر کردن ، ملاحظه کردن

197. avoid	اجتناب کردن	214. manage	مدیریت کردن
198. contain	محتوی بودن	15. jump into	یک مرتبه کاری کردن
199. entry	مدخل	16. decide	تصمیم گرفتن
200. purpose	هدف	217. such as	برای مثال
201. circle	دایره ، دور چیزی دایره کشیدن	218. spelling	املاء
202. symbol	سمبل ، علامت	219. definition	توضیح ، معنی
203. stand for	به معنی بودن	20. correctly	به درستی
204. figure out	فهمیدن	221. therefore	بنابراین
205. combination	ترکیب	222. essential	حیاتی ، ضروری
206. arrangement	ترتیب ، نظم	223. provide	فراهم کردن
207. particular	ویژه ، خاص	224. tip	پیشنهاد ، توصیه‌ی کوچک
208. order	نظم ، دستور دادن	225. identify	شناسایی کردن
209. introduction	مقدمه ، معرفی	226. section	بخش ، قسمت
210. general	عمومی	227. explain	توضیح دادن
211. effectively	به طور مؤثر	228. issue	موضوع ، مسئله
212. achieve	به دست آوردن	229. offer	پیشنهاد کردن ، در اختیار گذاشتن
213. arrange	ترتیب دادن	230. refer	اشاره کردن ، رجوع کردن

231. abbreviation	مخفف	248. shark	کوسه
232. throughout	سراسر	249. the same	یکسان ، همان
233. confusing	گیج کننده	250. nearly	تقریباً
234. look for	جستجو کردن	251. attack	حمله کردن
235. once	یک بار ، وقتی که	252. average	متوسط ، میانگین
236. speech	سخنرانی ، کلام	253. compare	مقایسه کردن
237. part of speech	قسم کلامی ، ادات سخن	254. snake	مار
238. probably	احتمالاً	255. familiar with	آشنا با
239. origin	منبع ، ریشه	256. support	حمایت
240. single	تنها ، مجرد	257. unknown	ناشناخته
241. expand	گسترش دادن	258. relationship	ارتباط
242. highlight	تأکید کردن بر	259. allow	اجازه دادن
243. minor	جزئی ، سطحی	260. recognize	تشخیص دادن
244. details	جزئیات	261. related to	مرتبط با
245. instead of	به جای	62. complicated	پیچیده ، مشکل
246. entire	همه	63. prefix	پیشوند
247. text	متن	264. suffix	پسونده

265. increasingly	به طور افزایشی	282. valuable	با ارزش
266. communicative	معاشرتی	283. catch	گرفتن
267. communicate	ارتباط برقرار کردن	284. crowded	شلوغ
268. accidentally	به طور تصادفی	285. take	گرفتن ، بردن ، طول کشیدن
269. endanger	به خطر انداختن	286. guy	آدم ، مرد
270. crop	محصول کشاورزی	wisely	عاقلانه
271. unsuccessfully	بدون موفقیت	288. ostrich	شترمرغ
272. disconnect	قطع کردن (شدن)	289. imaginary	تصوری ، غیرواقعی
273. unsystematically	بی قاعده	290. clue	سرنخ
274. incomprehensible	غیر قابل فهم	291. careful	مراقب ، مواظب
275. unexpectedly	به طور غیر منتظره	292. opinion	عقیده
276. international	بین المللی	293. exclamation	تعجب
277. unchangeable	ثابت	294. body	بدن ، توده
278. publish	منتشر کردن	295. while	در حالی که (مقایسه)
279. according to	بر طبق	296. whereas	در حالی که (مقایسه)
280. take from	گرفتن از ...	297. surround	احاطه کردن
281. widely	به طور گسترده	298. planet	سیاره

299. plant	گیاه	316. thus	بنابراین
300. include	شامل شدن	317. social	اجتماعی
301. mostly	عمدتاً	318. insect	حشره
302. topic	موضوع	319. tiny	بسیار کوچک
303. respect	احترام گذاشتن	320. point	نکته ، نقطه
304. vision	بینائی ، بینش	321. far away from	دور از
305. fewer	کم تر	322. ancient	قدیمی ، باستانی
306. addiction	اعتیاد	323. pattern	الگو ، طرح
307. harmful (to)	مضر	324. available	در دسترس ، موجود
308. create	ایجاد کردن ، خلق کردن	325. web browser	مرورگر وب
309. skill	مهارت	326. device	وسیله
310. handicraft	صنایع دستی	327. term	اصطلاح ، واژه ، مدت معین
311. ant	مورچه	328. direct	مستقیم ، کنترل کردن
312. anthill	تپه ی مورچه	329. host of information	انبوهی از اطلاعات
313. hardworking	سخت کوش	330. suffer from	رنج بردن ، تحمل کردن
314. collect	جمع آوری کردن ، بردن	331. magnet	آهنربا
315. stick to	چسبیدن به	332. convert (into)	تبدیل کردن

333. vibration	لرزش	350. technical	تخصصی
334. transmit	انتقال دادن	351. for instance	برای مثال
335. inner ear	گوش داخلی	352. several	چندین
336. clear	آشکار ، واضح	353. present	حاضر ، هدیه ، ارائه کردن
337. hearing loss	از دست دادن شنوایی	354. gift	هدیه
338.cause	علت ، ایجاد کردن	355. exist	وجود داشتن
339. infection	عفونت	356. pajamas	پیژامه
340. middle ear	گوش میانی	357. paradise	بهشت
341. firefighter	مأمور آتش نشانی	358. dictatorial	دیکتاتوری ، استبدادی
342. superhuman	ابرانسان	359. diction	طرز بیان ، گفتار
343. invisible	نامرئی	360. corresponding	مرتبط
344. read mind	خواندن ذهن	361. reference	مرجع ، رجوع ، اشاره
345. astronaut	فضانورد	362. appear	ظاهر شدن ، به نظر رسیدن
346. expression	اصطلاح ، بیان ، حالت چهره	363. originally	از اصل ، از ابتدا
347. come from	از جایی آمدن	364. arm	بازو ، شعبه ، دسته (صندلی)
348. biography	زندگی نامه	365. foot	پا ، پایه ، پایین
349. translate	ترجمه کردن	366. organize	مرتب کردن ، سازماندهی کردن

367. contain	محتوی بودن ، شامل شدن	376. huge	عظیم
368. combine	ترکیب کردن	377. resource	منابع
369. appropriate	مناسب	378. commercial	بازرگانی ، تجاری
370. colony	کولونی ، گروه	379. scale	مقدار ، مقیاس
371. scavenger	لاشخور ، زباله گرد	380. waterway	آبراه
372. wingless	بدون بال	381. goods	کالا ، اجناس
373. reproduce	تولید مثل کردن ، کپی کردن	382. drought	خشکسالی
374. bite	گاز ، گاز گرفتن	383. pollution	آلودگی
375. painful	دردناک	384. wildlife	حیات وحش

V3 (L3)	
385. renewable	خاموش کردن جایگزین شونده، تجدیدپذیر
386. power	کم کردن قدرت ، انرژی فراهم کردن
387. times	هزینه ، هزینه برداشتن دفعات ، بارها
388. win	ماشین ظرفشویی برنده شدن
389. experiment	نجات دادن ، ذخیره کردن آزمایش
390. solar power	لامپ انرژی خورشیدی
391. solar panel	سرراه صفحه ی خورشیدی
392. solar collector	تولید کردن جمع آوری کننده خورشیدی
393. solar system	پنکه منظومه شمسی
394. source	یادآوری کردن منبع
395. hydropower	سیستم خنک کننده نیروی آب
396. running water	تهویه کننده هوا آب جاری
397. falling water	انرژی پاک آبی که سقوط می کند
398. wind turbine	سوخت فسیلی توربین بادی
399. wind tower	آلوده کردن برج بادی
400. convert (into)	مصرف کردن تبدیل کردن(شدن) به
401. turn off	
402. lower	
403. cost	
404. dishwasher	
405. save	
406. lightbulb	
407. on the way	
408. produce	
409. fan	
410. remind	
411. cooling System	
412. air conditioner	
413. clean energy	
414. fossil fuel	
415. pollute	
416. consume	

417. balcony	بالکن	434. radiation	تابش
418. variety	تنوع	5. yard	حیاط
419. fitness	آمادگی جسمانی ، تناسب	436. material	ماده
420. tide	جزر و مد	437. shiny	درخشان
421. rise	افزایش ، بالا رفتن	438. space station	ایستگاه فضایی
422. replace	جایگزین کردن ، سرجای خود گذاشتن	439. take notes	یادداشت برداشتن
423. use up	کاملاً استفاده کردن	440. magic	جادوئی
424. forever	برای همیشه	441. find out	فهمیدن
425. demand	تقاضا	442. work	کار کردن ، نتیجه دادن
426. absorb	جذب کردن	443. include	شامل شدن ، گنجاندن
427. gradually	به تدریج	444. margin	حاشیه
428. nuclear	هسته ای	445. separate	جدا ، جدا کردن
429. chemical	شیمیایی	446. general health	سلامتی عمومی
430. coal	ذغال سنگ	447. measure	اندازه گرفتن
431. nonrenewable	جایگزین نشدنی	448. heartbeat	ضربان قلب
432. gone	مصرف شده	19. proverb	ضرب المثل
433. reduce	کم کردن	450. practical	کاربردی ، عملی

451. likelihood	احتمال	468. meaningful	با معنی
452. equivalent	معادل	9. good at	خوب در ...
453. early	زود ، نخستین	470. work out	از آب درآمدن
454. Worm	کرم	471. burnt	سوخته
455. goal	هدف	472. dread	ترسیدن
456. feather	پر	473. stone	سنگ
457. flock	جمع شدن ، ازدحام کردن	4. Waste	هدر دادن ، زباله
458. perfect	کامل	475. consider	ملاحظه کردن ، در نظر گرفتن
459. spoil	فاسد شدن ، فاسد کردن	476. garbage	زباله
460. broth	نوعی سوپ	477. liquid	مایع
461. hatch	از تخم درآمدن	478. truck	کامیون
462. sight	بینائی	479. landfill	محل دفن زباله
463. cooperate	همکاری کردن	480. voluntary	داوطلبانه
464. come up with	به ذهن رسیدن ، راهی پیدا کردن	481. delivery	تحويل
465. lead to	منجر شدن به	82. give off	بیرون دادن ، ساطع کردن
466. visible	قابل دیدن	483. Warn	هشدار دادن
467. similar to	شبيه به	484. principal	مدیر

485. obey	اطاعت کردن	502. namely	به نام
486. rule	قانون	503. conclude	نتیجه گرفتن
487. global	جهانی	504. cross	عبور کردن ، قطع کردن
488. global warming	گرمایش جهانی	505. strange	عجیب
489. die out	منقرض شدن	506. joint	مفصل
490. mention	ذکر کردن ، اشاره کردن	507. racehorse	اسب مسابقه
491. give back	پس دادن	508. favorite	محبوب
492. come on	ایالا ، زود باش!	509. subject	موضوع
493. great	بزرگ ، زیاد	510. distance	فاصله
494. flew	گذشته‌ی fly (پرواز کردن)	511. herd	گله ، توده
495. fantastic	فوق العاده ، محشر	512. stable	اسطبل
496. Sauce	سس	513. run	دویدن ، راه انداختن ، اداره کردن
497. spend	گذراندن ، خرج کردن	514. require	نیاز داشتن
498. sing	آواز خواندن	515. load	بار ، بار کردن
499. apply for	تقاضا کردن	516. live up to	زندگی کردن تا ...
500. pay a check	پرداختن چک	517. unscramble	مرتب کردن
501. component	جزء ، قسمت	518. in order of	به ترتیب

519. consist of	تشکیل شدن از	536. lend (lent)	قرض دادن
520. revolve	چرخیدن	537. lie (lay)	دراز کشیدن
521. fill	پر کردن	538. shoot (shot)	شلیک کردن
522. in short	به طور خلاصه	539. shut	بستن
523. supply	تأمین کردن	540. sink (sank)	غرق شدن
524. client	موکل ، مشتری	541. steal (stole)	دزدیدن
525. upset	نگران ، نگران کردن	542. throw (threw)	پرتاب کردن
526. document	مدرک ، سند	543. ministry	وزارت
527. remember	به یاد سپردن ، به یاد آوردن	544. faculty	دانشکده
528. apologize	عذرخواهی کردن	545. republic	جمهوری
529. Scan	به دقت دیدن	546. gasoline	بنزین
530. bleed (bled)	خون ریزی کردن	547. remote	دور
531. broadcast	پخش کردن	548. wheel	چرخ
532. hang (hung)	آویختن	549. run the motor	راه انداختن موتور
533. hold (held)	ظرفیت داشتن، نگه داشتن، برگزار کردن	550. run the TV	راه انداختن تلویزیون
534. hit	ضربه زدن	551. regular	منظم ، معمول
535. hurt	آسیب رساندن	552. roll	به کار رفتن ، چرخیدن

553. portable	حمل	567. digest	قابل هضم کردن ، فهمیدن
554. device	وسیله	568. fond	علاقه مند
555. deal with	سروکار داشتن با ، از عهده برآمدن	569. disability	معطلیت
556. gadget	وسیله	570. constantly	دائماً
557. plug	پریز	571. continent	قاره
558. outlet	خروجی	572. community	جامعه ، اجتماع
559. vacuum cleaner	جاروبرقی	573. local	محلی
560. overcome	غلبه کردن	574. other than	به جای
561. benefit	سود ، مزیت	575. fall asleep	به خواب رفتن
562. meet	ملاقات کردن ، برآوردن	576. get a score	نمره گرفتن
563. economy	اقتصاد ، صرفه جویی	577. alternative	جایگزین
564. charge	شارژ کردن	578. veggies	سبزیجات
565. odd one out	متفاوت از بقیه	579. charity	خیریه
566. odd	عجیب		

Vision 2: (L1)	
580. holy	مقدس
581. sign language	زبان علامت
582. extra	اضافی
583. keep off	خودداری کردن ، دوری کردن
584. frequently	مکرراً
585. Surf	موج ، موج سواری کردن
586. surf the net	گشتن در اینترنت
587. host	جمعیت انبوه ، میزبان ، مجری برنامه
	میزبان بودن
588. interview	مصاحبه کردن
589. besides	به علاوه
590. fluently	با روانی ، با فصاحت
591. experience	تجربه
592. absolutely	مطلقاً ، کاملاً
593. mother tongue	زبان مادری
594. region	ناحیه
595. native	بومی
596. range	متغیر بودن ، گسترش یافتن
597. popular	محبوب ، عامه پسند ، عمومی
598. percent	درصد
599. imagine	تصور کردن
600. meet the needs	نیازها را برآوردن
601. by means of	به وسیله‌ی
602. society	جامعه
603. vary	متغیر بودن
604. make up	تشکیل دادن
605. despite	با وجود
606. each other	یکدیگر
607. surprising	تعجب آور
608. endangered	در خطر ، در معرض انقراض
609. amazing	حیرت انگیز ، تعجب آور

610. means	روش ، وسیله	627. hint	نشانه ، اشاره ، توصیه
611. no matter	اهمیتی ندارد	628. additional	اضافی
612. matter	ماده ، اهمیت داشتن	629. manner	روش ، نحوه ی رفتار
613. specific	خاص ، ویژه	630. take a picture	عکس گرفتن
614. step	گام ، اقدام	631. at last	سرانجام
615. through	از طریق ، به وسیله ی	632. plenty	فراوان
616. exchange	مبادله کردن	633. delirious	هیجان زده
617. knowledge	دانش	634. worship	پرستیدن
618. belong (to)	متعلق بودن به	635. whisper	پچ پچ کردن
619. fortunately	خوشبختانه	636. stare	زل زدن ، خیره شدن
620. luckily	خوشبختانه	637. label	برچسب
621. disappear	ناپدید شدن	638. item	چیز، مورد
622. uncountable	غیر قابل شمارش	639. make sure	مطمئن شدن
623. loaf	قرص نان	640. escape	فرار کردن
624. piece	قطعه ، تکه	641. confident	مطمئن
625. peace	آرامش ، صلح	642. media	رسانه های گروهی
626. at least	حداقل	643. belief	اعتقاد
644. greatly	خیلی	645. blank	نانوخته ، خالی
646. appropriate	مناسب		

V2 (L2) :	
647. higher education	تحصیلات عالی
648. hang out (with)	بیرون رفتن با ، پرسه زدن
649. rarely	به ندرت
650. couch potato	خوره ی تلویزیون
651. a bit	یه ذره
652. gain	به دست آوردن
653. diet	رژیم غذائی
654. serving	پرس
655. addiction	اعتیاد
656. calm	آرام
657. balanced	متعادل
658. recent	اخیر
659. prevent	جلوگیری کردن
660. behave	رفتار کردن
661. however	با این وجود اما
662. certain	مطمئن ، مشخص
663. pay attention to	توجه کردن به
665. gain weight	چاق شدن
666. sadly	متأسفانه
667. relative	فامیل
668. busy (with)	گرفتار
669. take away	کم کردن ، پائین آوردن
670. pray	عبادت کردن
671. decrease	کاهش دادن (یافتن)
672. predict	پیش بینی کردن
673. discuss	بحث کردن
674. unimportant	بی اهمیت
675. incorrect	نادرست
676. dislike	دوست نداشتن
677. midday	وسط روز
678. disagree	مخالف بودن
679. unsafe	نامطمئن

680. reality	واقعیت	696. mission	مأموریت ، رسالت
681. incomplete	ناقص	697. for sure	مطمئنا
682. disorder	اختلال ، بی نظمی	698. call back	دوباره تماس گرفتن
683. replay	دوباره بازی کردن ، دوباره اجرا کردن	699. give up	ترک کردن ، رها کردن
684. homeless	بی خانه	700. grow up	بزرگ شدن
685. invitation	دعوت	701. hurry up	عجله کردن
686. influence	تأثیر گذاشتن روی	702. turn off	خاموش کردن
687. properly	به طور مناسب	703. washing machine	ماشین لباشوئی
688. attend	حضور یافتن	704. wake up	بیدار شدن (کردن)
689. social events	رویدادهای اجتماعی	706. Watch out !	مواظب باش
690. secret	راز	707. go away	ترک کردن
691. stage	مرحله	708. get away	دور شدن ، فرار کردن
692. early stage	مرحله ی اولیه	709. turn around	برگشتن ، چرخیدن
693. retire	بازنشسته شدن	710. notice	توجه ، آگاهی ، اعلامیه
694. fire service	آتش نشانی	711. forbid	ممنوع کردن
695. exciting	هیجان آور	712. keep on	ادامه دادن

713. recreational	تفریحی	731. various	مختلف
714. sailing	قایقرانی	732. in particular	به خصوص
715. confuse	گیج کردن	733. socialize (with)	معاشرت کردن (با)
716. confuse with	اشتباه گرفتن با	734. depressed	افسرده
717. hiking	پیاده روی	735. impatient	بی حوصله
718. against	در برابر ، علیه	736. specialist	متخصص
719. tired of	خسته از...	737. avoid	اجتناب کردن از
720. bored with	کسل شده از	738. amount	مقدار ، میزان
721. rush	با عجله رفتن	739. wellness	سلامتی
722. unhealthy	ناسالم	740. indirect	غیر مستقیم
723. homemade	خانگی	741. redo	دوباره انجام دادن
724. dish	ظرف ، غذا	742. pressure	فشار
725. serious	جدی ، خطرناک	743. mineral	ماده‌ی معدنی
726. enable	قادر ساختن	744. thought	افکار ، ملاحظه
727. miracle	معجزه	745. ahead	جلو ، پیش
728. nervous	نگران	746. press	فشار دادن ، اتو کردن
729. harm	آسیب ، آسیب رساندن	747. look out	مراقب بودن
730. brain	مغز	748. thank for	تشکر کردن به خاطر
749. flat	مسطح ، صاف	751. mind-	فکر ، ذهن ، اهمیت دادن
750. flat tire	لاستیک پنچر		

V2 (L3) :	
752. sociable	معاشرتی ، اجتماعی
753. craft	صنایع دستی
754. artworks	کارهای هنری
755. tilework	کاشی کاری
756. calligraphy	خوشنویسی ، خطاطی
757. pottery	سفال گری
758. cheerful	بشاش
759. uncertain	نامطمئن
760. hopeful	امیدوار
761. depend on	وابسته بودن به
762. touching	تأثیربرانگیز
763. discount	تخفیف
764. workshop	کارگاه
780. souvenir	سوغات
781. quite	کاملاً ، نسبتاً
782. moral	اخلاقی
766. appreciate	قدردانی کردن ، درک کردن
767. booklet	جزوه
768. decorative	تزئینی
769. Vast	پهناور ، وسیع
770. craftsman	صنعت کار
771. metal	فلز
772. unique	منحصر به فرد
773. diversity	تنوع
774. custom	رسم
775. traditional	سنتی
776. identity	هویت
777. reflect	منعکس کردن ، نشان دادن ، عمیقاً فکر کردن
778. human kind	انسان
798.bow	خم شدن
799.palm	کف دست
800. shared beliefs	اعتقادات مشترک

783. take a part	نقشی را به عهده گرفتن	801. attitude	نگرش
784. former	قبلی	802. simply	به سادگی ، فقط
785. ugly	زشت	803. accept	پذیرفتن
786. satisfied	راضی	804. respectful	مؤدب
787. frightened	ترسیده	805. miss	از دست دادن ، دلتنگ شدن
788. surprised	متعجب	806. public	عمومی
789. take part in	شرکت کردن در	807. transportation	حمل و نقل
790. intonation	آهنگ (جمله)	808. pass an exam	قبول شدن
791. attempt	تلاش	809. essay	انشاء
792. catch the bus	با اتوبوس رفتن	810. market	بازار
793. fortunate	خوشبخت		
794. get along (with)	کنار آمدن (با)		
795. object	چیز ، شی		
796. greet	احوال پرسی کردن		
797. shake hands	دست دادن با		

Vision 1:(L1)	
811. heaven	آسمان ، بهشت
812. variation	تنوع
813. verily	واقعاً
814. prospect	امید ، چشم انداز
815. put out	(آتش) خاموش کردن
816. injured	مجروح
817. plain	دشت ، جلگه
818. anymore	دیگر
819. hopefully	به طرز امیدوارانه
820. hunt	شکار کردن
821. schedule	جدول برنامه ها ، برنامه
822. irregular	بی قاعده
823. low mountain	کوه کم ارتفاع
824. give information	دادن اطلاعات
825. go on a trip	به سفر رفتن
826. Zookeeper	مأمور مراقبت از حیوانات
827. based on	بر مبنای
828. span	مدت ، دوره
829. life span	طول عمر

V1 (L 2) :	
830. go around	چرخیدن
831. get around	پخش شدن ، منتشر شدن
832. observatory	رصد خانه
833. orbit	چرخیدن ، مدار
834. rocky	سنگی ، ناهموار
835. ring	حلقه
836. drop	قطره
837. blood cell	سلول خونی
838. do exercise	ورزش کردن
839. microbe	میکروب
840. defend	دفاع کردن
841. donate	اهدا کردن

842. plasma	پلاسما	852. neat	مرتب ، حساسی ، محشر
843. comparative	مقایسه ای ، نسبی	853. arrow	فلش
844. brave	شجاع	854. element	عنصر
845. Worse	بدتر	855. nationality	ملیت
846. less	کم تر	856. look at	نگاه کردن به
847. the worst	بدترین	857. organ	عضو
848. the least	کم ترین	858. bacteria	باکتری ها
849. farther	دور تر ، بیشتر	859. viruses	ویروس ها
850. describe	توصیف کردن	860. on one's own	به تنهایی
851. quality	کیفیت ، ویژگی	861. cheap	ارزان

V1(L3) :

862. cradle	گهواره	868. rapidly	به سرعت
863. grave	گور ، قبر	869. do research	تحقیق کردن
864. seek (sought)	جستجو کردن	870. invent	اختراع کردن
865. medicine	دارو ، پزشکی	871. gain	دستاورد
866. do experiment	آزمایش کردن	872. to be after	دنبال چیزی بودن
867. energetic	پرانرژی	873. key to	کلید

874. recite	با صدای بلند و شمرده خواندن ، تلاوت کردن	885. emphasis	تأکید
875. Holy Quran	قرآن مجید	886. express	بیان کردن
876. pass away	از دنیا رفتن ، فوت کردن	887. state	وضعیت ، حالت ، بیان کردن
877. work on	کار کردن روی	889. sense	حس
878. antibiotic	آنتی بیوتیک	890. put aside	کنار گذاشتن
879. narrate	روایت کردن	891. ashamed	شرمنده
880. background	پس زمینه	892. personality	شخصیت
881. make the noise	سروصدا کردن	893. snow heavily	برف سنگین باریدن
882. kitty	بچه گربه	894. have fun	خوش گذشتن
883. take a taxi	تاکسی گرفتن	895. have a good time	خوش گذشتن
884. careless	بی دقت		

V1(L4):

896. make the creation	خلق کردن	901. historical site	مکان تاریخی
897. attraction	جاذبه ، جذابیت	902. shrine	مکان مقدس
898. destination	مقصد	903. travel agency	آژانس مسافرتی
899. to be located	واقع شدن	904. hospitable	مهمان دوست
900. pilgrim	زائر	905. pyramid	هرم

906. desert	صحرا ، بیابان	917. good image	تصویر خوب
907. ancient	قدیمی ، باستانی	918. obligation	اجبار
19. possibility	احتمال	926. late	دیر
20. pattern	الگو	927. lately	اخیراً
921. take medicine	دارو خوردن	928. generous	بخشنده
922. contrast	مقایسه کردن	929. prepare	آماده کردن
923. rudely	بی ادبانه	930. exactly	دقیقاً
924. patiently	صبورانه	931. main	اصلی ، عمده
925. probably	احتمالاً	932. phrase	عبارت
908. entertainment	تفریح ، سرگرمی	933. baggage	اثاث
915. embassy	سفارت	934. activity	فعالیت
916. polite to	مؤدب با		